

شطحیات عرفاء

شیخ ابونصر عبدالله بن علی سراج طوسی (۲ . ۳۷۸ هـ) ملقب بطاوس الفقراء ، که از پیشوایان اولیای خراسان می باشد، در کتاب «اللمع فی التصوف» شطح را در لغت عرب از ریشه شطح یسطح می داند و می فرماید : صاحبان وجد وقتی می خواهند شدت شوریدگی و حرکت روحی خود را در عباراتی که بگوش شنونده نامأنوس می آید بیان کنند ، سخنانی میگویند که آنرا شطح نامند. (۱)

شیخ ابومحمد روزبهان ابن ابی نصر بقلی فسوی شیرازی (۴ . ۶۰۶ هـ) معروف به « شطاح فارس » که در تألیف کتاب شطحیات از ابو نصر سراج طوسی الهام گرفته ، در تعریف و توصیف « شطح » چنین گوید : «... در سخن صوفیان شطح مأخوذ است از حرکات اسرار دلشان ، چون وجد قوی شود و نور تجلی در صمیم سر ایشان عالی شود ، به لغت مباشرت و مکاشفت و استحکام ارواح در انوار الهام که عقول ایشان را حادث شود، بر انگیزاند آتش شوق ایشان بعمشوق ازلی ، تا برسند به عیان سراپرده کبریا ، و در عالم بهاجولان کنند . چون ببینند نظایرات غیب و مضمرات غیب غیب و اسرار عظمت بی اختیار مستی در ایشان در آید ، جان بجنبش در آید ، سر بجوش در آید ، زبان بگفتن در آید. از صاحب وجد کلامی صادر شود از تلهب احوال و ارتفاع روح در علو مقامات که ظاهر آن متشابه باشد ، و عبارتی باشد ، آن کلمات را غریب یابند ... زیرا که شطح ایشان متشابه است ، چون متشابه قرآن و حدیث ... هر دو متشابه ربانی و نبوی مؤمنان امت را امتحان آمد تا اقرار آورند بظاهر ، و

تفیش باطن نکنند ، تا در تشبیه و خیال و تعطیل و صفات بانکار متشابهات در نه افتند چون چنین است ، بدانستیم که اصول متشابه در شطح از سه معدن است :

معدن قرآن ، و معدن حدیث و معدن الهام اولیا . اما آنچه در قرآن آمد ، ذکر صفات است و حروف تهجی . و آنچه در حدیث ، رؤیت التباس است . و آنچه در الهام اولیاست ، نعوت حق برسم التباس در مقام عشق و حقیقت توحید در معرفت . « (۲) »

همچنین شیخ روزبهان بقلی در مورد وصف علوم بیان کند که : « . . . این علوم در کتاب و سنت پیداست ، لیکن اشارتست ، جز صدیقان ندانند ، زیرا که باطن قرآن است . . . »

ایشان گزیده اند از جمیع علوم بدین سه مرتبت خاص ، ایشان را در این سه مرتبت سه زبانست ، یکی زبان صحو ، بدان علوم معارف گویند . و یکی زبان تمکین و بدان علوم توحید گویند . و یکی زبان سکر ، و بدان رمز و اشارات و شطحیات گویند . . . و این زبان صوفیان مست راست که در رؤیت مشکلات غیب افتاده اند ، چون از آن اشارت کنند ، علماء بدان قیامت کنند ، نفیر بر آورند ، و بدین طعن ها و ضرب ها که گفتم بدیشان قصد کنند (۳) . « واقعه حسین بن منصور حلاج مثال صادق آن است . »

از شیخ محی الدین ابوبکر ابن عربی حاتمی طایبی اندلسی (م. ۶۳۹ هـ) مشهور به شیخ اکبر - عارف بزرگ و حکیم الهی ، منقولست که : « شطح عبارت از کلمه ای است که بوی خود پسندی و ادعا از آن استشمام شود و آن در بین محققین نادر دیده شده است . « (۴) »

میر سید شریف الدین علی بن محمد حسین گرگانی (م. ۸۱۶ هـ) ، از معارف علمای قرن هشتم و نهم ایران ، در رساله « تعریفات » خویش چنین می نگارد : « شطح از زلات محققین است زیرا دعوی بحق است که عارف بدون اذن الهی تصریح می کند . « (۵) »

حاصل اینکه چون از بزرگان عرفا و مشایخ صوفیه و پیشوایان دینی ، گاهی در عالم مستی و بیخودی سخن از کرامات و مراتب سیر و سلوک در مقامات و احوال می رود عباراتی از قبیل انا الحق و سبحانی ما اعظم شأنی و لیس فی جبتی سوی - الله . بیخودانه بر زبان این طایفه مذکور می افتد ، در اصطلاح صوفیه آن را « شطحیات » گویند .

اولین صور شطحیات و متشابهاات را در میان سخنان پیشروان بزرگ صوفیه سده دوم هجری امثال ابراهیم بن ادهم بلخی و رابعه عدویه بصری میتوان یافت ، اما تا پیش از بایزید بسطامی ، شطحیات دارای مقدمات و کنایاتی بوده ، و بایزید نخستین عارفی می باشد که شطحیات را جلوه داده و شوریدگی درونی خود را بطور وضوح بیان کرده است . پس از وی حسین بن منصور حلاج بتفصیل در این باره سخن رانده است ولی بعدها سطح شطح فرودمی آید تا آنجا که آنچه به مشایخ متأخر نسبت داده می شود ، بیشتر جنبه غرور و خودستایی و مفاخرات عرفانی دارد . (۶) چنانکه شیخ روزبهان بقلی که تا آغاز قرن هفتم هجری می زیسته ، می گوید : «بیشترین شطحیات را از آن سلطان عارفان بایزید و شاه مرغان عشق حسین بن منصور حلاج یافتیم .» (۷)

اگرچه در قرن چهارم هجری شیخ ابونصر سراج طوسی در کتاب المصنف فی التصوف به تفسیر شطحیات صوفیه پرداخته (۸) ولی با اینهمه از آن عده بزرگانی که گرد آوردندگان شطحیات می باشند ، دو تن مشهور و معروف اند . اول ، شیخ شطاح روزبهان بقلی ، از عارفان عاشق مسلک قرن ششم ایران ؛ و دوم ، محمد دارا شکوه پسر شاه جهان گورکانی ، از شاهزادگان درویش مشرب که در قرن یازدهم هجری در شبه قاره پاکستان و هند می زیسته است . البته در فاصله چهار قرن اواسط هم شطح و مفاخره گوئی عرفانی میان سوختگان عشق الهی متداول بوده ، و بعضی در مؤلفات خویش در این زمینه مطالب مربوطه را بیان نموده اند مانند :

شیخ نظام الدین حاجی غریب یمنی که در کتاب «لطایف اسرفی بیان طوایف صوفی» - که شامل ملفوظات سید اشرف جهانگیر سمنانی (۸۰۸۴ هـ) است - به تفسیر شطحیات صوفیه می پردازد (۹) . و میر سید شریف گورکانی در رساله تعریفات سخنی از شطحیات گفته ، و شاه نظام الدین محمود داعی شیرازی (م ۸۷۰ هـ) در مثنوی عشق نامه خویش «حکایتی در شطح» سروده است . (۱۰)

از جهت دیگر چون تصوف اسلامی شیوع یافت و عقاید صوفیانه در ادب ایرانی رسوخ کرد ، و شعر و ادب فارسی نیز از سخنان شطح گونه خالی نماند ، چنانکه شعرای عارف مثل حکیم سنائی غزنوی ، و شیخ عطار نیشابوری ، و مولانا جلال الدین بلخی رومی ، و شیخ فخر الدین عراقی ، و شیخ محمود شبستری و خواجه حافظ شیرازی ، و مولانا عبدالرحمن جامی ، گاهی در ضمن آثار و

اشعار خویش افکار و گفتار شطح آمیز می‌گنجانند .

از جمله شیخ عراقی - که از نظر طرز فکر و مذهب عشق به شیخ مسطاح نزدیک است - نسبت به پیر خود شیخ بهاء الدین زکریای مولتانی (م. ۵۶۶۶) چنین می‌گوید :

شیخ شیوخ جهان ، قطب زمین و زمان

قوت همه انس و جان معنق مالک رقاب

پرسی اگر در جهان، کیست امام الامام ؟

نشوی از آسمان جز زکریا جواب (۱۱)

بقول دکتر محمود بامداد این کلام عراقی بقدری بی‌پرده و فاش است که باید گفت هنگام حجاب کرده و از این روشطاحش می‌توان خواند (۱۲). شیخ روزبهان بقلی در سبب تصنیف کتاب «شرح شطحیات» گوید که وی اولاً کتابی بنام «منطق الاسرار به بیان الانوار» (۱۳) در شطحیات مشایخ بزبان عربی تألیف کرده و بعداً به خواهش و تقاضای یاران و مریدان خود در شیراز تفسیری بفارسی لطیف بر آن نگاشته که بعنوان «شرح شطحیات» شهرت دارد که انستیتو ایران و فرانسه تهران بسال ۱۳۴۴ شمسی آن را با تصحیح و مقدمه‌ای بزبان فرانسه از هنری کر بین استاد دانشگاه سربین چاپ کرده است .

شیخ روزبهان در مقدمه کتاب نامبرده می‌نویسد : «ابتدا از شطح حق گرفتم - جل اسمه و اسرار حروف تهجی بگفتم ، و احکام شطح متشابهات حدیث بیان کردم . بعد از آن شطح خلفاء اربع - رضوان الله علیهم بگفتم با کلماتی چند از رمز تابعیان تا تمهید کتاب باشد ، و بحجت و مقالت شطح . بعد از آن از شرح شطحیات عاشقان بگفتم ، و ابتدا بکلام ابراهیم بن ادهم و ابو - علی سندی و ابو یزید کردم . از آن ابوالمنیث به آخر همه شرح کردم ، زیرا که آن سه قسم بود درسه علم ، و هر سه مشکل بود . و عرض کتاب خود آن بود : یکی اساتید غریب و دیگر الفاظ شطحیات ، و دیگر شرح طواسین ، و آن قسم از همه مشکل تر بود .» (۱۴)

باین ترتیب در کتاب شرح شطحیات روز بهان جز از حق تعالی و تقدس . شطحیاتی از حضرت نبی کریم صلی الله علیه و سلم ، ابو بکر صدیق ، عمر فاروق ، عمان ذی النورین ، علی مرتضی (ع) ، عامر بن قیس ، ابراهیم بن ادهم ، ابوعلی سندی ، ابو یزید بسطامی ، ذی النون مصری ، شاه شجاع کرمانی ، جنید بغدادی ، ابی عمر بن عثمان مکی ، ابی الحسین نوری ، ابو سعید خراسانی ،

ابى الحسين نيشابورى ، ابى محمد روم ، يوسف بن حسين رازى ، ابى حمزه خراسانى ، سمون محب ، سهل بن عبدالله تسترى ، ابوبكر كنانى ، ابى - الحسين مزين ، ابن عطا ، صبحى ، على بن سهل صوفى ، ابى الحسين بنانى ابى عمر دمشقى ، ابى الخير تينانى ، ابوبكر شبلى ، ابوبكر واسطى ، ابوالقاسم نصر آبادى ، ابوالعباس سيارى ، ابوعلى دقاق ، ابو الحسن خرقانى ، جعفر الحذاء ، شيخ ابى يحيى شيرازى ، هشام بن عبدان شيرازى ، على بن شلوبه ، ابى الحسين بن هند القرشى ، بنادار بن حسين ، ابى سهل بياضوى ، ابى مزاهم شيرازى ، على المائنى ، ابى بكر طمانى ، شيخ ابراهيم الاعرج ، ابى على نور باطى ، حسين بن منصور حلاج ، ابى الغريب اصفهانى ، ابى سعيد بن ابى الخير وحصرى نگارش يافته است . (۱۵)

شاهزاده محمد دارا شكوه تحت تاثير شيخ روز بهان رساله اى بنام « حسنات العارفين » در شطحيات صوفيه تدوين كرد كه در ديباچه آن سبب تاليف رساله را چنين مى نويسد : « ... بخاطر اين فقير رسيد كه آنچه از كبراي موحدان و بزرگان و عارفان كه بهترين مخلوقات و راست بازان در معاملات اند ، سخنان بلند كه آن را متشابهاه و شطحيات نامند ، صادر شده و در كتب و رسائل اين قوم متفرق است ، يا آنچه از عارفان اين وقت خود شنيده ، جمع نمايد تا حجت قاطع و برهان ساطع بر دجاجله عيسى نفسان ، و فراعنه موسى صفتان ، و ابوجهلان محمدى مشربان باشد . و چون شطحياتى كه عاشق عارف روز بهان بقلى رحمة الله عليه جمع نموده مشتمل بر تشبيهات و استعارات بود و خوانندگان را موجب ملال ميشد ، مختصرى بعبارات راست بر راست و اشعار مناسب چه از خود چه از مشايخ ترتيب داد و آن را « حسنات العارفين » اشاره قرآن مابين نام نهاد تا صادقان سلوك را حجت و پند باشد و زبان طاعنان از سرزنش کوتاه گردد ، و افتتاح آن به كلام الهى و احاديث نبوى و اقوال اصحاب كبار كه دلايل واضح اند بر اثبات اين مطلب نمود . » (۱۶)

و پس از ديباچه مؤلف نخستين شطخ مرقوم در اين رساله را « شطخ الهى » ناميده و چنين مى نگارد :

« شطخ الهى : هو الاول والاخره و الظاهر والباطن (۱۷) ، يعنى وجود منحصر در من است و هم منم . واسطى فرمود كه در اين آيه هيچ چيزى را وجودى نگذاشت ، همه خود شد . و هم فرمود :

اينما تولوا فثم وجه الله (۱۸) ، هر طرف كه روى بياوريد ، روى من است .

یعنی روی شما روی من است و هم فرموده :

ان الذين يبایعوننا انما يبایعون الله یدالله فوق ایدیهم ، (۱۹) یعنی دستی که بیعت کرد بدست محمد ، بیعت کرد بدست الله ، که بالای دستهای دست محمد است . و مثل این در کلام الهی و احادیث قدس بسیار است ، (۲۰) از آن بیعت دارا شکوه از بسیاری بزرگان و پیشوایان از قبیل : حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم ، ابو بکر صدیق ، عمر فاروق ، عثمان ذی النورین ، علی مرتضی (ع) ، ابو هریره ، اویس قرنی ، امام زین العابدین ، امام جعفر صادق ، ابراهیم ادهم ، فضیل عیاض ، حضرت اسرافیل ، معروف کرخی ، ذوالنون مصری ، یحیی بن معاذ رازی ، ابو علی سندی ، ابو یزید بسطامی ، ابو حفص حداد نیشابوری ، سهل بن عبدالله تستری ، ابو سعید خراز ، ابوالحسین شیبانی ، ابو حمزه خراسانی ، ابراهیم خواص ، ابوالحسین نوری ، ابو جعفر ابن الکرزینی ، سید الطایفه جنید ، سمنون مجب ، رویم ، یوسف ابن حسین رازی ، ابو بکر واسطی ، ابوالعباس بن عطا ، حسین بن منصور حلاج ، ابو محمد مرتعش ، ابوالحسن مزین (۲۱) ، ابو بکر شبلی ، ابو بکر ازموئی ، ابوالقصاب آملی ، ابو جعفر حداد (۲۲) ، ابوالعباس سیاری ، ابوالخیر ثینانی ، ابو جعفر خلدی ، فارس ابن عیسی بغدادی ، ابوالقاسم نصر آبادی ، ابو الحسن حصری ، ابوالخیر مالکی ، ابو عبدالله صبحی ، عباس ابن یوسف الشکلی ، هشام ابن عبدان شیرازی ، ابو یعقوب کوردی ، مظفر کرمانی ، ابوالعباس نهاوندی ، ابوالحسن خرقانی ، لقمان سرخسی ، پیر ابو الفضل سرخسی ، ابوسعید ابوالخیر ، شیخ الاسلام عبدالله انصاری ، شیخ الاسلام احمد جام ، ابو صالح دمشقی ، ابوالبدرد غایسکی ، شیخ احمد غزالی ، فقهه ، برکه ، عین القضاة همدانی ، شیخ عبدالقادر جیلی ، ابوالسعود شبل ، قضیب البان موصلی ، ابن قایم ، روزبهان بقلی ، ابو مدین مغربی ، شیخ ابن العربی ، نجم الدین کبری ، سعدالدین حموی ، نجم الدین رازی ، خواجه معین الدین چشتی ، شیخ فرید گنج شکر ، خواجه نظام الدین اولیا ، عبدالله بلینانی ، مولانا جلال الدین رومی ، صدر الدین قونیوی ، شرف الدین بوعلی قلندر ، شمش الدین محمد کیشی ، فخر الدین عراقی ، اوحد الدین کرمانی ، عزالدین محمود کاشی ، محمود شبستری ، شیخ مغربی ، خواجه علی رامتینی ، خواجه بهاء الدین نقشبند ، سعدالدین کاشغری ، شاه قاسم انوار ، عبیدالله احرار ، ملاعبده الرحمن جامی ، خواجه حافظ ، شاه قاسم ، سعابی ، کبیر ، بابا لال ، بابا بیاری ، شیخ

طیب سرهندی ، شیخ حسین دهنده : محمد شریف ، صالح ، شیخ میر ، شیخ محمد یمنی بری ، شیخ ارجمند ، حضرت مولانا شاه ، حضرت باری ، شیخ شاه محمد دلربا و حضرت میر سلیمان شطح یا شطحیاتی نقل کرده است. (۲۳)

اگر شرح شطحیات شیخ روز بهان بقلی شیرازی و حسنات العارفین شاهزاده داراشکوه گورکانی را از نظر مقایسه مورد مطالعه قرار بدهیم، تفاوت بسیاری بین آن دو کتاب بچشمی خورد .

شیخ روزبهان بقلی به لحاظ تنظیم و ترتیب مطالب ، در مقدمه کتاب پس از سپاس ایزد تعالی از مشاهیر انبیا و رسل و فرشتگان مقرب باذکر اسامی و صفات آنها یاد کرده ، و لغت خاتم النبیین وسید المرسلین صلوات الله علیه را با معارج و کمالات فراوان بیان داشته ، و آنگاه به وصف صحابه و اولیا پرداخته ، و بعد فصلی را « فی بدایة احوالی و رغبتی فی لطف هذا الكتاب » عنوان کرده است. و در چند فصل مطالب حقیقت و معرفت و واقعات امتحان و پیشروان تصوف را مندرج ساخته ، و فصلی را به موضوع « فی اسماء المشایخ و نموتهم » و فصلی دیگر را « فی نعمت حسین بن منصور حلاج » و فصولی را « فی وصف المشایخ و نموتهم » و در معنی ظاهر هر لغت شطح و فصولی دیگر را بمعانی حروف مقطعات اختصاص داده است. سپس به بیان مقالات و عبارات و شطحیاتی پرداخته که شامل گفتارهای رمزی و پر معنی و شورانگیز از نبی علیه السلام به بعد می باشد .

مؤلف در دوران مباحث شطحیات گاه گاه مطالب عرفانی و کلامی مثل مناجات ، معرفت ، توحید ، علم القدر و غیره را هم مورد بررسی قرار داده است .

در دو قسمت مفصل نکات و اصلاحات صوفیه از قبیل : حال ، مقام ، مکان ، وقت ، قبض ، بسط ، سبب ، نسب ، تحلی ، تجلی ، تدلی ، تخلی و علت و امثال اینها را شرح داده ، و بسیاری از روایات و شطحیات « حلاج » و قطعات کتاب « طواقیر » وی را نقل کرده است .

بعقیده دانشمند بزرگ فرانسوی « لویی ماسینیون » کتاب حاضر عمده ترین سند در باب شناسائی به احوال و حقایق حلاج می باشد . « (۲۴)

اما محمد دارا شکوه پس از حمد و ستایش و درود و سلام بسیار کوتاه بر خداوند و نبی آل و اصحابه و اولیاء ، در مقدمه مختصر به اسم خویش و تاریخ تألیف و سبب تصنیف و نام کتاب اشاره کرده و شاید به پیروی روزبهان بقلی

از اسامی پیمبران و رسولان بزرگ چنین یاد کرده است: « عارف بی پروا از بدنامی بازید بسطامی گفته است ، تخم تاك معرفت را در عهد آدم در زمین کردند ، و در وقت نوح از زمین بر آوردند ، و در زمان ابراهیم علیه السلام به مرتبه کمال رسانیدند ، و در عهد موسی علیه السلام خوشه پدیدار ساختند و در عهد عیسی انکور نموده ، و در زمان حضرت محمد صلی الله علیه و سلم شراب صافی کشیدند ، و زاهدان این امت از آن می ناپ قدحها نوشیدند و بیخود گشتند و به بانگ بلند گفتند : سبحانی ما اعظم شأنی ، و لیس فی جبتی سوی الله ، و انا الحق و لا اله الا انا و امثال این . » (۲۵)

سپس مصنف تشریح شطحیات را آغاز نموده است . گاهی از کلمات پیر خویش ملا شاه یا مولانا شاه بدخشی استفاده جسته ، و در بعضی موارد دارا شکوه نظر خود را هم ثبت می کند که « این شطح بسیار بلند است » یا « این شطح بس عظیم است » و مانند آن .

درباره طرز نگارش و اسلوب تحریر شرح شطحیات شیخ روز بهان از گفتار دانشمند معروف هنری کریبن چنین استفاد می شود که « ... شیوه نگارش بزبان فارسی در متن تفاسیر بسیار مشکل و پیچیده است و معنای از تشبیهات و تمثیلهای و استعارات و تصورات می باشد . فی الحقیقت روز بهان بیشتر با تصاویر مثالی از مفاهیم عقلی می اندیشد ... آنچه اثر روز بهان در این اثر اصیل و گرانبها تقدیم می کند « مجموعه ایست کامل از تصوف و عرفان از منظر و منظوق «شطح» بدان صورت و کمال که در قرن ششم هجری در برابر تصور و ادراک او قرار گرفته است .

وی در اجتهاد مقدس خویش مشکلاتی را که طریقه تصوف و عرفان ضمن مقابله با علم کلام و حکمت الهی پیش راه خود داشته ، بفصاحت تام به ماهره میدارد . » (۲۶)

ولی داراشکوه برخلاف آن ، در حسنات المارفین سلاست و سادگی را رعایت نموده ، و کتاب او علاوه بر اینکه مجموعه ای از شطحیات صوفیه است متضمن شرح حال جمعی از عرفاء است که در سفینه الاولیات ترجمه حال ایشان فراهم نیامده . از این حیث این تألیف ، مکمل دو کتاب دیگر او یعنی سفینه الاولیا و سکنیه الاولیا است .

یکی دیگر از مختصات حسنات المارفین اینست که بعضی مشایخ معاصر داراشکوه شطحهای خود را بخط خویش برای او نگاشته ، و یا خود دارا از زبان

ایشان شنیده و عیناً آنها را نقل کرده است. بنا بگفته سید محمد رضا جلالی نائینی « بیشتر شطیحات صوفیه بر پایه وحدت وجود و قله خدائی قرار گرفته و بیشک چپین افکاری با فلقه بر امانیسم، و ادب و دانتا، بی ارتباط نمیتواند باشد. داراشکوه که پابند به این افکار و تحت تأثیر اندیشه‌های منصفه اسلام و فقراء هند قرار گرفته بود، در صد آمد کتابی مشتمل بر شطیحات مشایخ گذشته و معاصر خود جمع آورد و بدین منظور «حسنت المارفین» را ترتیب داد. (۲۷) چنانکه در آن اقوال شطح آمیز و پیشوایان و رهبران فرقه‌ها نیز گنجانده شده است.

حاصل مبحث اینکه کتاب روزبهان (۲۸) دارای حق تقدم می باشد و در عین حال با تحقیق و تدقیق نگارش یافته است لیکن کار دارا شکوه هم منفع و منظم است، البته فهم و ادراک شرح شطیحات روزبهان برای عموم سالکان مشکل است در صورتیکه حسنت المارفین دارا برای عامه طالبان نسبتاً آسان و سهل می باشد. و نکته مهم اینست که داراشکوه شطیحاتی از امام زین العابدین و امام جعفر صادق نیز نقل می کند که زیور آرای کتاب اوست، در حالیکه در شرح شطیحات روزبهان غیر از سخنان امیر المؤمنین علی علیه السلام از نامه دیگر چیزی دیده نمی شود. باید گفت که هر دو اثر نه فقط از آثار گرانمایه ادبیات عرفانی زبان فارسی است بلکه از آثار عظیم الشان در ادبیات تصوف و عرفان جهانی محسوب می شود.

۱ - اوپانیاشاد، سر اکبر ترجمه داراشکوه، تهران ۱۳۴۰ ش، پیش گفتار جلالی نائینی، ص ۲۱۴ ح ۱. *رساله جامع علوم انسانی*

۲ - شرح شطیحات، روز بهان بقلی، به تصحیح هنری کرین، تهران

۱۳۴۴ ش، ص ۵۷ - ۵۸

۳ - شرح شطیحات، همان، ص ۵۵ - ۵۶

۴ - تاریخ تصوف در اسلام، دکتر قاسم غنی، چاپ دوم کتا بفروشی

زوار تهران ۱۳۴۰ ش، ص ۶۴۸

۵ - تاریخ تصوف در اسلام، همان، ص ۶۴۹؛ ونیز رك: شعرو ادب

فارسی، مؤتمن، تهران ۱۳۳۲ ش، ص ۱۰۹ که نوشته است: «میر شریف <

< جرجانی در رساله تعریفات ، شطحیات را از لغزشهای محققین می‌شمارد ، و حافظ در ادبیات زیر ظاهراً بصوفیان دعوی دار تاخته است :

خیز تا خرقه صوفی بخرابات بریم

شطح و طامات به بازار خرافات بریم

سوی دندان قلندر بره آورد سفر

دلغ بسطامی و سجاده طامات بریم ،

(دیوان حافظ شیرازی ، باهتمام محمد قزوینی ودکتر قاسم‌غنی ، تهران

۱۳۲۰ ش ، ص ۲۵۷) و مقایسه شود با : حافظ شناسی ، دکتر محمود

بامداد ، چاپ دوم تهران ۱۳۳۸ ش ، ص ۲۴۱ .

۶ - اوپانشاد ، ص ۲۱۴

۷ - شرح شطحیات ، ص ۱۳ برای شطحیات بایزید ر - ك مجله اقبال

ریویو کراچی اکتبر ۱۹۷۱ م مقاله دکتر محمدعبدالرب .

۸ - هنر و مردم ، سال ۱۲ ، شماره ۱۳۶ و ۱۳۷ ، بهمن‌ماه واسفند

ماه ۱۳۵۲ ش ، ص ۶۳ .

۹ - تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و هند ، دانشگاه پنجاب لاهور ،

۱۹۷۱ م ، ج ۳ ص ۱۶۸ .

۱۰ - کلیات شاه داعی شیرازی ، بخش اول سنه داعی ، بکوشش دبیر

سیاقی ، تهران ۱۳۳۹ ش ص ۲۹۷ .

۱۱ - کلیات عراقی ، بکوشش سعید نفیسی ، چاپ چهارم کتابخانه سنائی

تهران ۱۳۳۸ ش ، ص ۶۸ - ۶۹ .

۱۲ - حافظ شناسی ، ص ۷۰ .

۱۳ - شرح شطحیات ، ص ۱۳ : نیزرک : عبهر العاشقین ، روزبهان

بقلی ، انستیتو ایران و فرانسه تهران ۱۳۳۷ ش ، مقدم دکتر معین ، ص ۶۸

۱۴ شرح شطحیات ، ص ۱۳ - ۱۴

۱۵ - باید تذکر داد که اسامی بزرگان اهل شطح در اینجا بهمان

ترتیب کتاب شرح شطحیات یاد شده و تعداد آنها ۵۱ می‌باشد .

۱۶ - حسنات المارفین ، داراشکوه در مجموعه رسایل خطی کتابخانه

مرکزی دانشگاه تهران بشماره ۴۶۷۲ ، ص ۱۵۴ ر - پ .

- ۱۷ - قرآن کریم ، سوره ۵۷ (حدید) ، آیه ۳
- ۱۸ - قرآن کریم ، سوره ۲ (بقره) ، آیه ۱۱۵
- ۱۹ - قرآن کریم ، سوره ۴۸ (فتح) ، آیه ۱۰
- ۲۰ - حسنات العارفين ، ص ۱۵۵ ر - پ
- ۲۱ - حسنات العارفين ، ص ۱۷۳ پ ، و مقایسه شود با شرح شطحیات ص ۲۱۶ که اسمش « ابی الحسین مزین » نگاشته است .
- ۲۲ - حسنات العارفين ، ص ۱۷۶ ر ، و مقایسه شود با شرح شطحیات ص ۳۱۹ که نامش « جعفر الخدا » نوشته است .
- ۲۳ - جمله اسماء رجال شرح بقرتیب نسخه خطی حسنات العارفين مذکور ص ۱۵۳ پ - ۲۲۰ پ ثبت گردیده است که تعداد آنها شامل شطح الهی ۱۱۰ می باشد . باید متذکر شد که حسنات العارفين در سال ۱۳۰۹ هجری در دهلی طبع شده ، و بزبان اردونیز ترجمه و طبع مزین گشته است . اوپانیشاد ص ۲۱۶ و مسکینة اولیا ، داراشکوه ، چاپ تهران ۱۳۴۴ ش ، مقدمه جلالی نائینی ، ص ۲۸ . همینطور بقول جلالی نائینی در مقدمه منتخبات آثار دارا شکوه ، چاپ تهران ۱۳۳۵ ش ، ص ۱۵ « حسنات العارفين » بزبان عربی ترجمه شده و در لاهور بچاپ رسیده است . و اخیراً با تصحیحات و مقدمه دکتر سید مخدوم رهین چاپ و مرفقی گردیده است .
- ۲۴ - شرح شطحیات ، پیش گفتار .
- ۲۵ - حسنات العارفين ، ص ۱۵۴ ر - ۱۵۵ پ
- ۲۶ - شرح شطحیات ، پیش گفتار .
- ۲۷ - اوپانیشاد ، ص ۲۱۴ - ۲۱۵
- ۲۸ - شطحیات عربی حسین بن منصور حلاج و ترجمه فارسی شیخ روزبهان ، با مقدمه مفصل استاد لوئی ماسینیون در سال ۱۹۱۳ م در پاریس چاپ شده است .